

بررسی فقهی ضرورت کاتب بالعدل با تکیه بر قرآن کریم^۱

علمی - پژوهشی

مصطفی فرزنانجو *

مجیدخزایی **

روح الله افضلی گروه ***

چکیده

اهمیت کتابت و ثبت تا آنجا است که، قرآن کریم بیشترین هشدار را بر کم‌فروشان و بر ضایع‌کنندگان حق مردم داده است و همه مومنان را از حق‌الناس برحذر داشته است. حق‌الناس را گناهی نابخشوده می‌داند و صراحتاً در آیات سوره مطففین به آن اشاره کرده است. «وای بر کم‌فروشان» تنها شامل معاملاتی نمی‌شود که به پیمانانه مربوط است، بلکه منوط به معاملاتی می‌شود که لازم است مشخصات یک ملک یا حق دیگری مشخصاً تعیین گردد تا از ضایع شدن و یا انکار آن و یا حتی کاستن از اندازه و ارزش واقعی آن جلوگیری به عمل آید. قرآن کریم تنها هشدار دهنده نبوده است، بعد از آنکه هشدار داده است، و برحذر داشته، راهکار مهمی را ارائه کرده است. در آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره، ذیل بزرگترین آیه قرآن کریم، این مهم را صراحتاً اشاره کرده است. در آیه مذکور به اهمیت و ضرورت تضییع نشدن حقوق افراد اشاره شده است و برای جلوگیری از این اتفاق، کتابت و ثبت معاملات و بدهکاری‌ها پیشنهاد شده است. این پژوهش درای دو نوع‌آوری است؛ ابتدا پیوندی بین سوره مبارکه مطففین و آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره برقرار کرده است، سپس اهمیت ثبت و کاتب بالعدل را که امروزه مصداق آن سردفتران اسناد رسمی است را در فقه نشان داده است.

کلید واژه‌ها: فقهی، سردفتران، ثبت، کاتب بالعدل، قرآن کریم، سنت، اجماع، عقل

۱- تاریخ وصول: (۱۳۹۹/۰۴/۰۵) تاریخ پذیرش: (۱۴۰۱/۰۴/۰۱)

* دانش‌آموخته دکتری فقه و حقوق اسلامی از دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، جیرفت، ایران (نویسنده مسؤل). mahzar_39zahedan@yahoo.com

** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، جیرفت، ایران. mailto:majidkhazaei@yahoo.com

*** استادیار دانشگاه آزاد اسلامی واحد جیرفت، جیرفت، ایران. Afzaligoroo@yahoo.com

۱- مقدمه

به نظر می‌رسد، قدمت بحث مذکور در اسلام به زمان نزول سوره مبارکهٔ مطففین می‌رسد. در زمینهٔ شان نزول این سوره نیز اشاره شده است که در زمان پیامبر(ص) دیده شده است که افراد سخت درگیر کم‌فروشی، فریبکاری و ضایع کردن حق یکدیگر بودند، که این سوره بر پیامبر اسلام نازل شد و مردم را از فریبکاری یکدیگر در معاملات برحذر داشت. اما پیشینه بحث ثبت، به زمان خلقت بشر و کشف سنگ‌نویسی می‌رسد.

اهمیت این موضوع به آن دلیل است که در اسلام و قرآن کریم تأکید زیادی بر حق‌الناس و ضایع نشدن حقوق و حق افراد دارد. در واقع حجیت این آیه آن است که افراد دارای آرامش روحی باشند و به راحتی به معامله و داد و ستد بپردازند. اهمیت ثبت و کاتب‌بالعدل یعنی سردفتر در قرآن کریم آن است که از فراموشی، انکار، سوء ظن، دخل و تصرف احتمالی و نابجا، تضییع حقوق افراد جلوگیری به عمل آید. آیه ۲۸۲ سوره بقره بر این مهم اشاره دارد، اگر معامله می‌کنید و بدهکار می‌شود و یا حقی به گردن شما می‌ماند، آن را مکتوب کنید تا از تضییع حقوق افراد جلوگیری به عمل آید. اما در این میان ضرورت وجود فرد سومی به عنوان «کاتب‌بالعدل» و شاهدانی مورد اهمیت قرار گرفته است. این کاتب در طول گذر زمان به نام «سردفتر» نام گرفت که وظیفه کتابت و ثبت معاملات را برعهده دارد. به نظر می‌رسد، کاتب را به عنوان شاهد که در ادامه آیه نیز به آن اشاره شده، تلقی نمود. نوآوری و تأکید این پژوهش آن است که رابطه بین سوره مطففین و آیه ۲۸۲ سوره مبارکهٔ بقره برقرار کرده است و برای اولین بار با استفاده از کتاب، سنت، اجماع و عقل اهمیت و ضرورت کتابت و حضور کاتب‌بالعدل را نشان داده است. دو نکته اساسی که محور این مقاله است، ابتدا اهمیت حق‌الناس و ضرورت وجود کاتب‌بالعدل از نگاه خداوند است و ثانیاً پیوندی که بین این دو سوره مبارکهٔ وجود دارد را به صورتی بیان شده که ابتدا ضرورت حق‌الناس و کم‌فروشی را در سوره مطففین که از سوره‌های مکی است بیان کرده و سپس در سوره بقره که از سوره‌های مدنی است، راهکاری را پیشنهاد کرده است. طبق روایت‌های ابن عباس و تکمیل آن در روایت‌های جابرین زید، به نقل آیت‌الله محمدهادی معرفت، سوره مبارکهٔ مطففین هشتاد و ششمین سوره و سوره مبارکهٔ بقره هشتاد و هفتمین سوره است. بنابراین، این ترتیب صحت ادعای ذکر شده را بیش از پیش روشن می‌سازد.

۱-۱- بررسی ضرورت کتابت، ثبت و اهمیت وجود شخصی به عنوان (کاتب) سردفتر

در این بخش برای روشن شدن موضوع و ضرورت و اهمیت ثبت و کاتب (سردفتری)، به بررسی کتاب، سنت، اجماع و عقل می‌پردازیم:

۱-۱-۱- کتاب (قرآن کریم)

قرآن کریم به‌عنوان اصلی‌ترین منبع در حقوق اسلامی است. با بررسی اجمالی آیات کلام الهی می‌بینیم نزدیک به پانصد آیه وجود دارد که به طور مستقیم به‌عنوان قانون اساسی به بیان احکام فقهی و حقوقی پرداخته است. در این میان برخی از آیات قرآن کریم به تشریح احکام در ارتباط مکلفین در معاشرت و برخورد در اجتماع توجه خاصی نموده‌اند. در واقع قرآن کریم آن‌گونه که در ترتیب ادله یاد شده، از لحاظ حجیت و قطعیت دارای اهمیت نخست و اعتبار فراوان است و سایر ادله در مراتب بعدی، حجیت و اعتبار خود را از قرآن و دلیل عقل می‌گیرند. در قرآن کریم آیاتی تشریح شده که مبین احکام حقوقی اشخاص اعم از حقوقی و حقیقی است. استاد شهبایی می‌نویسد: «پس از آن‌چه از لوازم قانون‌گذاری بر وجه اکمل و از مختصات تشریح از ناحیه مبادی اول و از شئون لطف و عنایت حضرت باری تعالی به شمار می‌رود و در قرآن مجید به‌طور اجمال یا به‌طور تفصیل موجود و مقرر است» (شهدای، ۱۳۷۸: ۱). لازم به ذکر است، این پژوهش بر آن است که در قسمت کتاب و کتابت ابتدا آیه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره را مورد بررسی قرار دهد و به عنوان معیار کار قرار دهد، سپس با استفاده از ترجمه، تفسیر و مبانی این آیه به بررسی آیات هم‌سوی دیگر با موضوع بپردازد.

۱-۱-۱-۱- بررسی و تحلیل آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره مبارکه بقره

ترجمه آیه ۲۸۲:

ای کسانی که ایمان آورده‌اید هنگامی که بدهی مدت‌داری (بر اثر وام یا معامله) به یکدیگر پیدا می‌کنید، آن را بنویسید، و باید نویسنده‌ای از روی عدالت (سند را) بنویسد، کسی که قدرت بر نویسندگی دارد، نباید از نوشتن خودداری کند. همان‌طور که خدا به او تعلیم داده است، پس باید (به

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا إِذَا تَدَايَيْتُمْ بِدَيْنٍ إِلَىٰ أَجَلٍ مُّسَمًّى فَاكْتُبُوهُ وَلْيَكْتُب بَيْنَكُمْ كَاتِبٌ بِالْعَدَالِ وَلَا يَأْب كَاتِبٌ أَنْ يَكْتُبَ كَمَا عَلَّمَهُ اللَّهُ فَلْيَكْتُبْ وَلْيُمْلِلِ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَلَا يَبْخَسْ مِنْهُ شَيْئًا فَإِنْ كَانَ الَّذِي عَلَيْهِ الْحَقُّ سَفِيهًا أَوْ ضَعِيفًا أَوْ لَا يَسْطِيعُ أَنْ يُبْلِغَ هُوَ فَلْيُمْلِلْ وَيُؤَيِّدْ بِالْعَدَالِ وَأَسْتَشْهِدُوا شَهِيدَيْنِ مِنْ رِجَالِكُمْ فَإِنْ لَمْ يَكُونَا رَجُلَيْنِ فَرَجُلٌ وَامْرَأَتَانِ مِمَّنْ تَرْضَوْنَ مِنَ الشَّاهِدَاتِ أَنْ تَضِلَّ إِحْدَاهُمَا فَتُذَكَّرَ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَىٰ وَلَا يَأْبُ الشَّاهِدَاتُ إِذَا مَا دَعُوا وَلَا تَسْمَأُوا أَنْ تَكْتُبُوهُ صَغِيرًا أَوْ كَبِيرًا إِلَىٰ أَجَلِهِ ذَلِكُمْ أَقْسَطُ عِنْدَ اللَّهِ وَأَقْوَمُ لِلشَّهَادَةِ وَأَدْنَىٰ أَلَّا تَرْتَابُوا إِلَّا أَنْ تَكُونَ تِجَارَةً حَاضِرَةً تُدِيرُونَهَا بَيْنَكُمْ فَلَيْسَ عَلَيْكُمْ جُنَاحٌ أَلَّا تَكْتُبُوهَا وَأَشْهِدُوا إِذَا تَبَايَعْتُمْ وَلَا يُضَارَّ كَاتِبٌ وَلَا شَهِيدٌ وَإِنْ تَفَلَّعُوا فَإِنَّهُ فُسُوقٌ بِكُمْ وَاتَّقُوا اللَّهَ وَيُعَلِّمُكُمُ اللَّهُ وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ»

خاطر این موهبت الهی) بنویسد، و آن کس که حق بر ذمه او است باید املا کند و از حق الناس بهره‌یزد و اگر کسی که حق بر ذمه او است «سفیه»، یا (از نظر عقل) ضعیف (و مجنون) و یا (به خاطر لال بودن) توانایی بر املا کردن ندارد باید ولی او (بجای او) با رعایت عدالت املا کند، و دو نفر از مردان خود را (بر این حق) شاهد بگیرید، و اگر دو مرد نبودند، یک مرد و دو زن، از کسانی که مورد رضایت و اطمینان شما هستند انتخاب کنید (و این دو زن باید با هم شاهد قرار گیرند) تا اگر یکی انحرافی یافت دیگری به او یادآوری کند، و شهود نباید به هنگامی که آن‌ها را (برای شهادت) دعوت می‌کنند خودداری نمایند، و از نوشتن (بدهی) کوچک یا بزرگ مدت‌دار ملول نشوید (هر چه باشد بنویسید).

این در نزد خدا، به عدالت نزدیکتر و برای شهادت مستقیم‌تر و برای جلوگیری از تردید و شک (و نزاع و گفتگو) بهتر است، مگر این که دادوستد نقدی باشد که در میان خود دست به دست می‌کنید که گناهی بر شما نیست که آن را ننویسید و هنگامی که خرید و فروش (نقدی) می‌کنید (بازهم) شاهد بگیرید، و نباید به نویسندگی و شاهد (به خاطر حقگوئی) زبانی برسد (و تحت فشار قرار بگیرند) و اگر چنین کنید از فرمان پروردگار خارج شده‌اید و از خدا بهره‌یزید و خداوند به شما تعلیم می‌دهد و خداوند به همه چیز دانا است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/ج ۱: ذیل سوره بقره: ۴۲۰).

تفسیر

همان‌طور که قرآن با ریاخواری و احتکار کردن و بخل، سخت مبارزه کرده، برای امور تجاری و اقتصادی نیز مقررات دقیقی بیان داشته است تا هر چه بیشتر سرمایه‌ها رشد طبیعی خود را بنمایند و هیچ‌گونه بن بست و اختلاف و نزاعی رخ ندهد. از آیه مورد بحث که طولانی‌ترین آیات قرآن است. هیجده دستور از این سلسله مقررات در مورد دادوستد مالی استفاده می‌گردد که به ترتیب ذکر می‌شوند:

۱- هرگاه شخصی به دیگری قرض داد، و یا معامله انجام گردید، و یکی از طرفین بدهکار شد، برای آن که هیچ گونه اشتباهی و گفتگویی بعداً پیدا نشود باید قرارداد با تمام خصوصیات آن نوشته شود. (یا ایها الذین آمنوا اذا تداینتم بدین الی اجل مسمی فاکتوبوه) (۲۸۲: بقره).

قابل توجه این که در آیه، کلمه «دین» استعمال شده نه قرض، برای آنکه قرض تنها در تبادل دو چیز که مانند یکدیگرند استعمال می‌گردد مانند این که پول یا جنسی را به عنوان قرض گرفته و از آن استفاده می‌کنند و سپس همانند آن را رد نمایند، ولی «دین» دامنه وسیع‌تری دارد، زیرا هرگونه معامله که انجام گیرد مانند صلح، اجاره، خرید و فروش و مانند آن. سپس یکی از طرفین بدهکار

گردد آن را دین گویند، بنابراین آیه مورد بحث شامل تمام معاملاتی می‌شود که به طور «سلف» و یا «نسیه» انجام گیرد، در عین این که قرض را هم در بر می‌گیرد.

۲- برای این که جلب اطمینان شود و قرارداد از مداخلات احتمالی طرفین سالم بماند باید نویسنده، شخص سومی باشد. (و لیکتیب بینکم کاتب). گرچه ظاهر این جمله اینست که نوشتن این قرارداد واجب است، ولی از آیه بعد (فان امن بعضکم بعضاً فلیؤد الذی التمن امانته): اگر به یکدیگر اطمینان داشته باشید آنکس که حقی به گردن اوست باید به موقع خود حق را بپردازد (گو این که نوشته‌ای در میان نباشد) استفاده می‌گردد که از دم نوشتن در صورتی است که اطمینان کامل در بین نباشد و احتمال این رود که در جریان به نزاع و کشمکش کشیده شود.

۳- کاتب باید رد نوشتن قرار داد حق را در نظر بگیرد و عین واقع را بنویسد (بالعدل).

۴- نویسنده و تنظیم‌کننده سند که از احکام و شرائط معامله اطلاع دارد بپاس این موهبتی که خدا به او داده است نباید از نوشتن قرارداد شانه خالی کند، بلکه باید طرفین معامله را در این امر اجتماعی کمک نماید. (و لا یأب کاتب ان یکتب کما علمه الله فلیکتب) (مکارم شیرازی، تفسیرنمونه/ج ۲: ذیل سوره بقره: ۲۸۳).

جمله «کما علمه الله» طبق تفسیر فوق برای تأکید و تشویق بیشتر است و می‌توان گفت: اشاره به نکته دیگری نیز دارد و آن این که باید نهایت امانت را رعایت کند، و آن چنان که خدا به او تعلیم داده، و باصطلاح بین خود و خدا، سند را دقیقاً تنظیم نماید. البته قبول دعوت برای تنظیم اسناد و جوب عینی ندارد چنان که از چند جمله بعد (و لا تأموا ان تکتبوه صغیراً او کبیراً) : (و از این که حق کوچک و یا بزرگی را بنویسید ملول نشوید) استفاده می‌گردد.

۵- باید یکی از طرفین معامله قرار داد را املاء کند، یعنی بگوید: تا کاتب بنویسد، اما کدام یک از طرفین به آیه می‌گوید: بدهکار، یعنی آن کس که حق بر گردن اوست (و لیملل الذی علیه الحق). اصولاً همواره امضای اصلی در اسناد، امضای بدهکار است از این رو قراردادی که به اعتراف و املائی او انجام گرفته مدرکی است که هر گونه انکاری را از طرف او نفی می‌کند.

۶- بدهکار به هنگام املا کردن باید خدا را در نظر بگیرد و چیزی را فروگذار نکند و همه را بگوید تا بنویسند. (و لیتق الله ربه و لای بیخس منه شیئاً)

۷- اگر بدهکار جزء یکی از این دسته‌ها بود: «سفیه» کسی که نمی‌تواند امور مالی خود را سروسامان بخشد، و ضرر و نفع خویش را تشخیص دهد «ضعیف»: کوتاه فکر و کم عقل و مجنون،

گنگ و لال که قدرت بر سخن گفتن ندارد در این سه صورت «ولی» باید بجای آن‌ها قرار داد را املاء کند و تنظیم کننده سند، بنویسد. (فان كان الذی علیه الحق سقیهاً او ضعيفاً او لا یستطیع ان یمل هو فلیمل ولیه)

۸- «ولی» نیز باید در املاء و اعتراف به بدهی، عدالت و منافع کسی را که سرپرست اوست در نظر گرفته و از انحراف از حق دوری جوید (ولیممل ولیه بالعدل).

۹- اضافه بر نوشتن باید طرفین در قرارداد خود، دو شاهد بگیرند (و استشهدوا شهیدین)

۱۰ و ۱۱- این دو شاهد باید بالغ و مسلمان باشند (من رجالکم) مسلمان بودن از اضافه شدن کلمه «رجال» به (کم) استفاده می‌گردد زیرا معنی آن این می‌شود «مردانی که از جمعیت شمایند».

۱۲- یک مرد و دو زن نیز می‌توانند شاهد قرار گیرند:

(فان لم یكونا رجلین فرجل و امرأتان).

۱۳- شهود باید مورد اطمینان باشند (ممن ترضون من الشهداء)

ضمناً از این جمله استفاده می‌شود که شهود باید از هر نظر مورد رضایت باشند و این همان مسأله عدالت است که در روایات نیز وارد شده.

۱۴- در صورتی که شهود مرکب از دو مرد باشند هر کدام می‌توانند مستقلاً شهادت بدهند، اما در صورتی که یک مرد و دو زن باشند باید آن دو زن با نفاق یکدیگر اداء شهادت کنند تا اگر یکی اشتباهی کند نفر دوم یادآوری نماید. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/ج ۲: ذیل سوره بقره: ۲۸۳)

اما این که چرا شهادت دو زن معادل یک مرد شمرده شده؟ بخاطر این است که زن موجودی است عاطفی و احياناً ممکن است تحت تأثیر قرار گیرد، لذا یک نفر دیگر به او ضمیمه شده تا از تحت تأثیر قرار گرفتن او جلوگیری کند. (ان تضل احدهما فتذكر احدهما الاخری)

۱۵- بدهی کم باشد یا زیاد باید آن را نوشت. از آن‌جا که اسلام می‌خواهد در روابط اقتصادی هیچگونه نزاعی رخ ندهد می‌گوید: این‌طور نباشد که در قراردادهای جزئی، به خاطر کمی بدهی، از نوشتن سند کوتاهی شود. (و لا تأموا ان تکتبوا صغیراً او کبیراً الی اجله): سستی و ملامت را «مباهه» می‌گویند، لا تأموا یعنی خسته و ملول نشوید.

در این‌جا قرآن اشاره به فلسفه احکام فوق کرده و می‌گوید: تنظیم اسناد و دقت: آن از یک سو

ضامن اجرای عدالت، و از سوی دیگر، موجب تقویت اطمینان شهود به هنگام ادای شهادت، و از طرف سوم مانع ایجاد بدبینی در میان افراد اجتماع می‌گردد. (ذکم اقسط عندالله و اقوم للشهاده و ادنی الاتر تابوا).

۱۶- در صورتی که، معامله کاملاً نقدی بوده باشد نوشتن قرارداد، لازم نیست. (الا ان تکون تجاره حاضره تدیر و نها بینکم فلیس علیکم جناح الا تکتبوا) «تجاره حاضره» به معنی معامله نقد است و جمله تدیر و نها (دست به دست بگردانید) برای تأکید نقد بودن معامله است. ضمناً از کلمه «فلا جناح» یعنی مانعی ندارد، استفاده می‌گردد که باز در همین صورت که معامله به طور نقد، انجام گرفته اگر سندی برای این دادوستد تنظیم کنند، بهتر است زیرا از هر گونه اشتباه و اعتراض احتمالی که بعداً ممکن است پیش آید جلوگیری می‌کند.

۱۷- در معامله نقدی گر چه تنظیم سند، و نوشتن لازم نیست، ولی باید شاهد گرفت (و اشهدوا اذا تبايعتم)

۱۸- در آخرین حکمی که در آیه ذکر شده می‌فرماید، هیچ‌گاه نباید، نویسنده سند، و همچنین شهود، بخاطر رعایت حق و عدالت، مورد آزار و اذیت قرار گیرند (و لا یضار کاتب و لا شهید) از آن‌چه درباره جمله فوق گفتیم معلوم شده «یضار» به اصطلاح فعل مجهول است یعنی نباید آزار ببینند، اما حکم شهود و کاتبان از نظر اصول عدالت در آغاز آیه گفته شد، بنابراین جای این نیست که (لا یضار) را به عنوان معلوم بدانیم و بگوئیم آن‌ها نباید زیان برسانند. سپس بدنبال حکم فوق تأکید می‌کند که اگر کسی شهود یا کاتبان سند را به خاطر حق گوئی آزار دهد مرتکب فسق و گناه، و خارج از راه و رسم بندگی خدا شده است (و ان تفعلوا فانه فسوق بکم)

و در پایان آیه بعد از ذکر آن همه احکام، مردم را دعوت به تقوی و پرهیزکاری و امتثال اوامر خداوند می‌کند (و اتقوا الله) و سپس یادآوری می‌نماید، که خداوند آن‌چه مورد نیاز شما در زندگی مادی و معنوی است به شما تعلیم می‌دهد (و یعلمکن الله) و او از همه مصالح و مفاسد مردم آگاه است و آن‌چه خیر و صلاح آن‌هاست برای آن‌ها مقرر می‌دارد (و الله بکل شیء علیم).

ضمناً از دو جمله (و اتقوا الله و یعلمکم الله) می‌توان استفاده کرد که تقوی و پرهیزکاری و خداپرستی، اثر عمیقی در آگاهی و روشن بینی و فزونی علم و دانش دارد و هنگامی که قلب آدمی پاک شد همچون آئینه حقایق را منعکس می‌سازد (مکارم شیرازی، تفسیرنمونه/ج ۲: ذیل سوره بقره:

برداشت نگارنده

- ۱ - بدون تردید؛ تشکیل و تأسیس دفاتر اسناد رسمی، خاستگاه قرآنی و مبانی دینی و اسلامی دارد.
- ۲ - اساس و بنای مستند فقهی - قرآنی تنظیم اسناد معاملات تجاری و حقوقی مردم، آیات شریفه ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره مبارکه «بقره» است.
- ۳ - سردفتران وفق آیات قرآن کریم باید به عنوان امین مردم و کاتب‌العدل، در انجام وظیفه کتابت و تنظیم اسناد، به نحو مطلوب، انصاف و عدالت را سرلوحه کار خود قرار دهند.
- ۴ - انجام وظیفه مبتنی بر انصاف و عدالت از سوی دفاتر اسناد رسمی و به طور خاص سردفتران، ایجاب می‌کند که با حُسن خلق و در کمال احترام ضمن تکریم ارباب رجوع، پاسخگوی تقاضای ایشان باشند.
- ۵ - مردم، به ویژه مسلمانان، باید معاملات و قراردادهای مالی خود را چه کوچک و چه بزرگ، به ثبت برسانند تا جامعه اسلامی عاری از هرگونه اختلاف مالی و نزاع و سوءتفاهم‌های احتمالی شود. چرا که تنظیم اسناد و نوشتن معاملات، به هنگام اختلاف، فصل‌الخطاب قاضی در صدور حکم براساس عدالت است. این همان است که دستگاه قضایی به دنبال کاهش پرونده‌های ورودی دادگاه‌ها است؛ یعنی تشویق و ترغیب مردم و در درجه اول پیش‌قدم شدن خود دولت و سازمان‌های دولتی جهت تنظیم اسناد به صورت رسمی در دفاتر اسناد رسمی. چرا که اصل، کتابت معاملات و اسناد است و استثنا فقط و فقط معاملات نقدی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/ج ۲: ذیل سوره بقره: ۲۸۳)

۱-۱-۲-۱-آیه ۲۸۳ سوره مبارکه بقره

ترجمه آیه ۲۸۳^۱:

و اگر در سفر بودید و نویسنده‌ای نیافتید گروگان بگیرید (گروگانی که در اختیار طلبکار قرار گیرد) و اگر به یکدیگر اطمینان (کامل) داشته باشید (گروگان لازم نیست) و باید کسی که امین شمرده شده (و بدون گروگان چینی از دیگری گرفته) امانت (و بدهی خود را به موقع) بپردازد و از خدائی که

^۱ - «وَإِنْ كُنْتُمْ عَلَىٰ سَفَرٍ وَلَمْ تَجِدُوا كَاتِبًا فَرِهَانٌ مَّقْبُوضَةٌ فَإِنْ أَمِنَ بَعْضُكُم بَعْضًا فَلْيُؤَدِّ الَّذِي أُؤْتِمِنَ أَمَانَتَهُ وَلْيَتَّقِ اللَّهَ رَبَّهُ وَكَمَا تَكْتُمُوا الشَّهَادَةَ وَمَنْ يَكْتُمْهَا فَإِنَّهُ آتِمٌ قَلْبُهُ وَاللَّهُ بِمَا تَعْمَلُونَ عَلِيمٌ».

پروردگار او است بپرهیزد، و شهادت را کتمان نکنید و هر کس آن را کتمان کند، قلبش گناهکار است و خداوند به آن چه انجام می‌دهید دانا است.

تفسیر: این آیه در حقیقت مکمل آیه قبل است مشتمل بر چند حکم دیگر است:

۱- اگر هنگام دادوستد دسترسی به نویسنده نبود تا قرارداد را بنویسد مانند این که « مسافرت این معامله واقع گردد در این صورت بدهکار برای جلب اطمینان طرف چیزی را به عنوان گروگان به طلبکار خود می‌پردازد (و ان کنتم علی سفر و لم تجدوا کاتباً فرهان مقبوضه).

گرچه از ظاهر آیه در مرحله ابتدائی به نظر می‌رسد که تشریح «قانون رهن» مخصوص سفر است، ولی با توجه به جمله بعد (و لم تجدوا کاتباً) (یعنی کاتب نیافتید) بدست می‌آید که منظور بیان نمونه‌ایست از مواردی که کاتب و تنظیم کننده پیدا نشود، بنابراین در وطن هم طرفین می‌توانند تنها به گروگان اکتفا کنند، و در تفاسیر اهل‌البیت (ع) هم نیز به این حقیقت اشاره شده است. در منابع حدیث شیعه و اهل تسنن چنین آمده است که پیغمبر اکرم زره‌خود را در مدینه به عنوان رهن نزد شخص غیر مسلمانی گذارد و مبلغی به عنوان قرض از او گرفت!

۲- گروگان باید حتماً در اختیار طلبکار باشد تا اثر «اطمینان بخشی» را داشته باشد (فرهان مقبوضه) در تفسیر عیاشی نیز می‌خوانیم که امام صادق (ع) می‌فرماید: لا رهن الا مقبوضه: «رهن نیست مگر آن که طلبکار آن را تحویل گیرد».

۳- همه این احکام: نوشتن سند، شاهد گرفتن، رهن گذاشتن، همه و همه مخصوص مواردی است که طرفین نسبت به یکدیگر اطمینان کامل نداشته باشند، وگرنه طلبکار نیازی به سند ندارد و بدهکار نیز باید اطمینان او را محترم بشمارد و به موقع، حق او را ادا کند، و تقوی را فراموش ننماید.

(فان امن بعضکم بعضاً فلیؤد الذی اوّ تمن امانته و لیتق الله ربه)

۴- چه در مورد دادوستد و چه در موارد دیگر اصولاً افرادی که اطلاع از حقوق دیگران دارند موظفند به هنگام دعوت به شهادت کتمان شهادت نمایند زیرا کتمان شهادت خود از گناهان بزرگ محسوب می‌شود: (لا تکتّموا الشّهاده و من یکتّمها فانه اثم قلبه)

البته روشن است که ادای شهادت در صورتی بر ما واجب می‌گردد که دیگران با شهادت خود حق را اثبات نکنند وگرنه در این صورت از گردن بقیه ساقط خواهد شد و به اصطلاح اداء شهادت واجب کفائی است (مکارم شیرازی، ۱۳۸۶/ج ۲: ذیل سوره بقره: ۲۸۹).

برداشت نگارنده.

چنانکه به چشم می‌خورد قرآن کریم به مهمترین موضوعات زندگی اشاره کرده است. برخی موارد فرعی را برعهده پیروی کردن از فقها، سنت و عقل گذاشته است. اما برخی موارد را که بسیار حیاتی و اساسی است را صراحتاً بیان و شرح داده است. مسئله حق الناس، تجاوز نکردن به حق الناس و بالاخص مال یتیم از نمونه‌های بارز و پراهمیت است که در قرآن کریم بدان صراحتاً اشاره است. موضوع ثبت و مکتوب کردن معاملات و قراردادهای نیز چون وابسته به بحث حق الناس است، از این موضوع فارغ نیست. در آیه مذکور اشاره شده است که حداقل ممکن از فرد بدهکار چیزی را به عنوان گرو یا وثیقه نگهدارید.

اما موضوعی که اینجا مطرح می‌گردد، آن است که گرو نگهداشتن مربوط به زمانی است که مردم از حداقل سواد خواندن و نوشتن برخوردار نبوده‌اند، چراکه در آیه ۲۸۲ سوره بقره خداوند ابتدا بر کتابت تاکید دارد. به نظر می‌رسد اصلی‌ترین مشکل پیش‌روی گرو و وثیقه نگه داشتن، مطرح بودن بحث تضييع حقوق طرفین است و این تضييع حقوق فرضیات بسیاری را می‌توان تصور کرد که مسائل حقوقی فراوانی را در پی دارد از جمله اینکه طرفین معامله، اثم از بدهکار و طلبکار ممکن است از دنیا بروند و قول و قراری که بینشان بوده است مبهم و غیرقابل اثبات بماند.

وقتی این معامله مکتوب نگردیده است، و رسیدی از گرو و وثیقه صادر نشده است، مشکلات جانبی دیگری را مانند نمونه مذکور ایجاد خواهد کرد که به مراتب از حق اصلی طلبکار، ممکن است بدتر باشد. اما خوشبینانه‌ترین حالت، فوت یکی از طرفین یا هردو طرف است چراکه، دومین مشکل تهدید کننده در گرو نگه داشتن مال آن است که هرکدام از طرفین مخصوصاً طلبکار که گرو نزد اوست، ممکن است اصل قول و قرار تعیین شده را انکار کند. قرارداد مابین طرفین صرفاً به صورت شفاهی بوده و وجدان افراد تنها این بین به عنوان سند و قاضی است. بنابراین به هر دلیلی ممکن است انکار شود و باز موجبات تضييع مال افراد را فراهم آورد.

در واقع تنها راهی که وجود دارد که می‌تواند مورد استفاده قرار گیرد و مال افراد تضييع نشود و مورد دخل و تصور قرار نگیرد و بعد از مرگ نیز به وارثین برسد، مشخص کردن و ثبت کردن این مهم است. لازم به ذکر است برای اصالت بخشیدن به این ثبت سند، لازم می‌شود طبق آیه ۲۸۲ سوره بقره، فردی عادل که به عنوان شاهد نیز می‌تواند تلقی گردد، فحوا و اصل قرار داد را محرز، ثبت و تنظیم گرداند.

۱-۱-۳-۱- بررسی آیات ابتدایی سوره مطففین

در این بخش، چنانکه بیان شد، در راستای تبیین بهتر ادعای پژوهش و روشن شدن مبانی آیات ۲۸۲

و ۲۸۳ سوره بقره به بررسی و تحلیل آیاتی از سوره مطففین پرداخته می‌شود.

۱-۱-۱-۱-۱-۱ آیات ابتدایی سوره مبارکه مطففین

«وَيْلٌ لِّلْمُطَفِّفِينَ» (۱) وای بر کم‌فروشان.

«الَّذِينَ إِذَا أَكْتَالُوا عَلَى النَّاسِ يَسْتَوْفُونَ» (۲) (که چون از مردم پیمانانه ستانند تمام ستانند).

«وَإِذَا كَالُوهُمْ أَوْ وَّزَنُوهُمْ يُخْسِرُونَ» (۳) (و چون برای آنان پیمانانه یا وزن کنند به ایشان کم دهند).

«الَّذِينَ يَكْتُمُونَ بِيَوْمِ الدِّينِ» (۱۱) (آنان که روز جزا را دروغ می‌پندارند).

«وَمَا يُكَذِّبُ بِهِ إِلَّا كُلُّ مُعْتَدٍ أَثِيمٍ» (۱۲) (و جز هر تجاوزپیشه گناهکاری آن را به دروغ نمی‌گیرد).

آیات مذکور به روشنی بیان می‌کند که نباید معاد و آخرت را فراموش کنید. آیات مذکور همه افراد را برحذر می‌دارد. نباید اندازه و پیمانانه صرفاً برای املاک و منافع خودمان باشد. باید برای طرف مقابل نیز با پیمانانه و عدالت رفتار کنیم (جوادی آملی، ۱۳۷۲: ۶۶- (خوئی، بی تا: ۱۷۸)

رابطه آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره با مبانی سوره مطففین: این بخش از نوآوری و ابتکارهای این پژوهش است. ایجاد پیوند بین دو مذکور با بحث ثبت، کتابت و (سردفتران)، از مباحث مهمی است که به نظر می‌رسد در آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره و سوره مبارکه مطففین وجود دارد. این مهم ضرورت و اهمیت بحث مذکور را از نگاه خداوند و قرآن کریم بیش از پیش مشخص می‌کند. حکم فقهی مهمی که به افراد کم فروش در معاملات می‌دهد، حرام است و این عمل را گناه بزرگ خوانده است. این سوره همه افرادی که عدل، قسط و عدالت را رعایت می‌کنند را در زمره مقربان، مومنان و صالحان دانسته و افرادی را که در معاملات عدالت را رعایت نمی‌کنند را کافر، فاجر و مجرم خوانده است. در یک تقسیم بندی سوره مبارکه مذکور را بر اساس مبنا باید به دو قسمت تقسیم کنیم:

الف) آیات ۱-۲۸: بر تضييع حقوق مادی افراد تاکید دارد.

۱) آیات ۱-۶ بر نادیده گرفتن معاد و تن دادن به کم فروشی و فریب دیگران در معاملات اشاره دارد.

۲) آیات ۷-۱۷ بر اشتباه منکران قیامت و کوچک شمردن گناه اشاره دارد.

۳) آیات ۱۸-۲۸ بر اشتباه منکران قیامت در زمینه احوال نیکوکاران اشاره دارد.

ب) آیات ۲۹-۳۶ بر کوچک شمردن و سهل انگاری حقوق غیرمادی و معنوی افراد اشاره دارد.

۱) آیات ۲۹-۳۳ بربرخورد کافران با نیکوکاران و مومنان اشاره دارد (داداشی‌نژاد، ۱۳۹۶: ۸۸)..

۲) آیات ۳۴-۳۶ بر احوال و تحقیر کفار و تکریم نیکوکاران اشاره کرده است (طباطبایی، المیزان، ۱۹۷۴م، ج ۲۰، ص ۲۴۰)

برداشت نگارنده.

۱) اهمیت این مهم، در این سوره به اتمام نرسید، در ادامه در ذیل سوره مبارکه بقره راهکاری ارزنده و مهم را خداوند در قرآن کریم به همه مردم و پیامبر ارائه می‌کند تا از حجم ضایع شدن حقوق افراد و فریبکاری کاسته شود. خداوند با نزول آیه ۲۸۲ سوره بقره به همه مردم کتابت، ثبت معاملات و پیمانانه را پیشنهاد می‌کند، که به نظر می‌رسد آیه مذکور در جهت تکمیل مباحث ارائه شده در سوره مطففین باشد..

۲) چنانکه بیان شد ابتدا سوره مطففین نازل شده است، این سوره یک سوره مکی است و طبق تعاریف، این سوره قبل از هجرت پیامبر از مکه به مدینه بر اساس ضرورت آن زمان احساس گردیده و نازل شده است. اما پس از هجرت پیامبر، در اثر وقوع اتفاقاتی نظیر تدوین عهدنامه‌ها، معاملات، خراج، معاهدات، کشورگشایی و غیره که اتفاق افتاده است، و در اثر احساس ضرورت کتابت و ثبت این معاملات و تعهدات و کثرت آنها و ایجاد مشکلاتی نظیر فراموش شدن، از دنیا رفتن طرفین معاهده و فریبکاری آیه ۲۸۲ نزول کرد و به پیامبر (ص) و همه افراد راهکاری مفید ارائه شد، به نام کتابت و ثبت بندها و اصل معاهدات و معاملات.

۱-۲- سنت

اگر بخواهیم به تاریخچه و سابقه ثبت و کتابت اسناد اشاره کنیم باید دو تقسیم‌بندی انجام دهیم:

الف) جایگاه ثبت اسناد در قبل از اسلام

در کتاب ابن‌اثیر بیان شده است قبل از ظهور و نزول پیامبر اکرم (ص) مردم مهمترین معاهدات، صلح‌نامه‌ها و پیمان‌هایی که در مکه تدوین می‌شد به صورت مکتوب نگهداری شده و بر دیوار کعبه آویخته شده است. اما در ثبت کردن معاملات قباله‌نامه‌های مخصوصی به نام «ثمن علم» یا «ثامن علم» داشتند که از آن برای ثبت املاک شخصی خود استفاده می‌کردند (ابن‌اثیر جزری، ۱۳۵۷: ۴۵۱).

ب) جایگاه ثبت سند در بعد از اسلام

اما در بعد از اسلام نیز شاهد نامه‌ها و تعهدات سرنوشت‌ساز و تاریخ‌سازی هستیم که به گونه‌ای سرنوشت مسلمانان را تغییر داده است. لازم به ذکر است که پیامبر(ص) بر مکتوب کردن همه این اسناد تأکید موکد داشته است. برای مثال عهدنامه مشرکان مکه، با پیامبر و ابوطالب از نمونه‌های بارزی است که پیامبر(ص) جهت تغییر و انکار مفاد آن، سعی بر مکتوب کردن و نگهداشتن آن داشته است. اما پس از هجرت پیامبر(ص) اسناد، معاهدات، پیمان‌نامه‌ها و صلح‌نامه‌ها زیادی ثبت و ضبط شده است مانند صلح حدیبیه و اسنادی از قبیل بخشش، امان و پناه، دعوت به اسلام و نامه به حاکمان، بیان چارچوب احکام اسلامی، پیمان‌نامه‌های صلح و غیره. اما پس از رحلت پیامبر(ص) و در زمان خلیفه دوم در باب ثبت اموال اقدامات خاصی انجام شده است از آن جمله اینکه به دستور وی دیوان ایجاد شد که به نوعی بخشی از کار آن ثبت بود (که به معنای امروزی سازمان ثبت ایجاد کرد) (ابن اثیر جزری، ۱۳۵۷: ۴۵۱)

خلیفه دوم در عصر خویش دستور داده است که زمین‌های مفتوحه در اختیار مالکان بومی قرار گیرد و در مقابل خراج بدهند و این معاملات را ثبت و ضبط گردانند. در واقع در آن زمان سند مالکیت یا قبالة ملک را «وصر» که جمع آن «ارصار» است، نام داشته است، می‌نامیدند (ماوردی، بی‌تا: ۳۸۱- به نقل از شهری) در واقع در اثر زیاد شدن فریبکاری در معاهدات و زیاد شدن آنها، این ضرورت احساس شده است که نیاز است این معاهدات ثبت و ضبط گردد. در معاهدات و امان‌نامه‌ها که توسط افراد ریش سفید قوم تدوین شده است، خطر مرگ بزرگترین عامل از بین رفتن تعهدات بوده است که در انتها به تزیین حقوق طرفین انجامیده است اما در معاملات در اثر فریبکاری مردم و بی‌کفایتی برخی خلفا که باعث می‌شد برخی افراد یا سران قبایل به تصرف مال رعیت یا یکدیگر بپردازند، با بیان و آموزش پیامبر(ص) مبنی بر ثبت و کتابت، این مشکل تا حدود زیادی حل شده است. بحث خراج از دیگر اموری بود که ضرورت ثبت و کتابت را دوچندان می‌کرد.

روایت اول:

امام علی (ع) در آخرین لحظات عمر شریف خود حدیث معروفی را بیان فرمودند؛ "اوصیکم بتقوی الله و نظم امرکم!". عالم، عالم نظم است. تمام موجودات روی حساب و کتاب آفریده شده‌اند (انصاری، ۱۳۷۹: ۹۹). بارزترین مصداق و دلیل بر ضرورت ثبت سند و معاملات، نظم بخشیدن به امور و پرهیز از بی‌قانونی و تزیین حقوق افراد است. در همین راستا نیز علامه طباطبایی ذیل شرح و تفسیر آیه ۲۸۲ سوره مبارکه بقره بیان دارند:

«کار شما تنظیم حقوق مردم و تثبیت مالکیت مردم نسبت به یکدیگر است. اگر نظم به هم بخورد انواع بیماری‌های اجتماعی پدید می‌آید. ایشان تأکید کردند؛ طولانی‌ترین آیه قرآن کریم که در

سوره بقره نازل شده درخصوص ثبت اسناد است و ۱۸ حکم دربارهٔ تنظیم و ثبت اسناد در این آیه می‌باشد. بینید هزار و چهارصد سال قبل و در آن جامعه عقب‌افتاده در این آیه چه اشاره‌هایی شده است. و در ادامه افزودند؛ بسیاری از پرونده‌های دادگستری در محدوده ثبت اسناد است. گاهی از روی ناآگاهی مردم و دفاتر و گاهی از سوءاستفاده‌های کلان و گاهی هم از نارسایی قانون است و همین می‌شود که مردم به زحمت بیفتند. فقط مشکل مالی هم پدید نمی‌آید، در پی مشکل مالی، مشکل عاطفی و اجتماعی پدید می‌آید (طباطبایی، ۱۹۷۴م، ج ۲۰، ص ۲۴۰). در پایان، ایشان فرمودند: باید از آخرین نوآوری برای تنظیم اسناد استفاده کنیم تا حقوق مردم از بین نرود و بی‌دقتی‌ها به حداقل برسد و یا از بین برود. شما باید با آموزش قانون و شرع، دفاتر اسناد رسمی را پویاتر نمایید. مزد شما فراوان است و نزد خدا محفوظ است. باز تکرار می‌کنم از نوآوری در تنظیم اسناد استفاده کنید، آموزش دهید و اطلاع‌رسانی کنید (طباطبایی، ۱۹۷۴م، ج ۲۰، ص ۲۴۰).

به نظر می‌رسد می‌توان بیان داشت که یکی از اسماء خداوند «ناظم» نیز است. در واقع خداوند و هر فردی مطمئناً منظم بودن را دوست دارد. از مهمترین راه‌های تحقق بخشیدن به این مهم و نظام‌مند کردن امور اجتماعی و سیاسی در سطح کشور و حتی بین‌المللی مکتوب کردن و ثبت کردن مفاد تعهدات، قراردادهای، عهدنامه‌ها، قوانین و اسناد است. می‌توان لحظه تصور کرد که اگر این موهبت الهی وجود نداشت، و تأکیدی بر حق الناس نمی‌شد و امر کتابت انجام نمی‌شد، مسلماً هرج و مرج کل سیستم اداری، اجتماعی زندگی بشر را فرا می‌گرفت.

روایت دوم :

سر این که حق تبارک و تعالی به بندگانش امر فرمود در وقت قرض دادن و معامله کردن نوشته‌ای بین خود تنظیم کنند: امام ابو محمد عسگری علیه السلام راجع به آیه «و استاشهدوا شهیدین من رجالکم» فرموده: امیر المومنین علیه السلام فرموده است: «شهیدین من رجالکم» یعنی از مسلمان آزاده و عدالت پیشه و عادل شما؛ امام فرمود آنان را به شهادت بگیرید تا با آنان دین و مال خود را محافظت کنید و ادب خداوند و توصیه او را بکار گیرید که در آن منفعت و برکت بزرگی وجود دارد، و برخلاف آن عمل نکنید که پشیمان خواهید شد زمانی که دیگر پشیمانی سودی ندارد. دو اول به دلیل پرهیز از تطور بحث ذکر نخواهد شد اما سومی:

و سومین آن‌ها مردی است که خداوند به او و توصیه کرد که دین خود را با شاهد و کتابت مراقبت کند، ولی او چنین نمی‌کند و مال خود را بدون این که اطمینان حاصل کند، به آدم غیر قابل اعتمادی داده است و حالا منکر این امر شده است و یا از حق او کاسته و او می‌گوید: پروردگارا! خداوندا! (آشتیانی، ۱۳۶۳: ۹۹) مالم را به من بازگردان. خداوند عزوجل به او می‌فرماید: ای بنده

من! من به تو آموختم که چگونه اطمینان حاصل کنی و از این طریق از مال خود نگهداری کنی تا از بین نرود، ولی تو ایا کردی و اکنون مرا می‌خوانی حال که مال خود را تباه ساخته‌ای و از بین برده‌ای و توصیه مرا تغییر دادی، پس اجابت نخواهم کرد (خوانساری، ۱۴۲۴: ۹۱۲). سپس رسول خدا صلی‌الله علیه و آله فرمود: بنابراین به توصیه خداوند عمل کنید تا رستگار و موفق شوید، و برخلاف آن عمل نکنید که پشیمان خواهید شد (شیخ صدوق، ۱۳۸۵: ۷۶۱/۲).

از وظایف مهم و اصلی در اسلام جلوگیری کردن از ضرر است. اینکه محافظت کنیم از جان و مال خود و دیگران از مبانی است که در اسلام بر آن تاکید دارد. طبق روایات ذکر شده و مباحث عقلی که در ادامه به آنها پرداخته می‌شود، تنها راهی که به افراد در گذشته و زمان معاصر کمک می‌کند تا مالشان تباه نگردد و از گزند فراموشی، فریبکاری و تصرف در امان بماند و حق کسی ضایع نگردد، استفاده کردن از ثبت و کتابت مفاد معاملات و معاهدات است.

۱-۳-۱- اجماع:

حجیت اجماع، به معنای صحت تمسک و احتجاج به اجماع از سوی شارع نسبت به مکلف و به عکس می‌باشد که لازمه آن، منجزیت - در صورت اصابت به واقع - و معذرت - در صورت عدم اصابت به واقع - است. اصولیون امامی، همانند اهل سنت اجماع را در شمار ادله حکم شرعی آورده‌اند، ولی این اشتراک تنها در شکل و اسم است؛ به این معنا که اصولیون امامی به هیچ عنوان، اجماع را دلیلی مستقل در مقابل کتاب و سنت نمی‌دانند، بلکه اجماع نزد آنان بدان جهت اعتبار دارد که از سنت قول، فعل و تقریر معصوم - علیه‌السلام - کشف می‌کند. بنابراین آنچه حجت است رأی و نظر معصوم - علیه‌السلام - است و حجیت اجماع نیز دایره مدار کشف از نظر معصوم - علیه‌السلام - است. به همین دلیل اصولیون امامی گفته‌اند اگر از اتفاق تعداد کمی نیز رأی و نظر معصوم - علیه‌السلام - به دست آید، حجت است، به خلاف اهل سنت که ملاک حجیت را اجتماع امت می‌دانند (سبحانی، ۱۴۱۹: ۴۱۳).

اهمیت و ضرورت بحث سردفتری، و وجود آن، تا حدودی مبحثی جدید است و در یک قرن اخیر وارد مباحث حقوقی و فقهی ما شده است. از آنجا که از ملزومات اجماع داشتن در موضوعی این است که دیدگاه معصوم و فقیهان بزرگ مورد بررسی و اجماع قرار گیرد، عملاً اتفاق افتادن این مهم، کان لم یکن است. بنابراین به نظر می‌رسد در بحث اجماع، به دلیل متحدثه بودن بحث سردفتری و مطرح نبودن آن در زمان فقه‌ها، دیدگاه خاصی وجود ندارد.

۱-۴-۱- عقل

عقل به صورت کلی به معنای قوه ادراک و عامل درک امور کلی، عینی و ذهنی اصلاقی می‌شود. عقل از منابع فقه اسلام و از مواردی است که در کنار قرآن و سنت و اجماع می‌آید. عقل نیز به لزوم یا وجوب بازداشت، در برخی موارد حکم می‌کند، زیرا حفظ نظام و امنیت مسلمین و صیانت از نفوس و اموال در بسیاری موارد، متوقف به حبس متهم تا روشن شدن حقیقت است و چه بسا عدم حبس او به اختلال نظم می‌انجامد. قطعاً اهمیت این امور از اهمیت سلب آزادی اشخاص به صورت محدود، کمتر نیست. بنابراین جواز بازداشت موقت از باب وجوب مقدمه واجب است. زیرا احقاق حق بزه دیده و مجازات بزهکار واجب است و مقدمه آن، بازداشت است و از ضرورت‌های عقلی دادرسی است و بدون آن به دلیل فرار متهم و پنهان کردن مدارک جرم امکان دادرسی و احقاق حق از بین خواهد رفت و لذا اگر راه دیگری برای پیشگیری از فرار متهم به جز حبس وجود نداشته باشد، از باب وجوب مقدمه واجب، واجب خواهد بود و چون دلیل عقلی دلیل است و اصل برائت، اصل است بنابراین تاب مقاومت در برابر دلیل را ندارد و لذا تأکید بر اصل برائت برای وانمود کردن منافات بازداشت با آزادی انسان محلی نخواهد داشت (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۱۸۳).

بنای عقلا، اصطلاحی در علم اصول فقه و فقه، به معنای روش و سلوک عملی خردمندان بر انجام دادن یا ترک کاری بدون دخالت و تأثیر عوامل زمانی، مکانی، نژادی، دینی و گروهی است. برای تبیین مفهوم «بنای عقلا» باید به رابطه آن با معنای «عرف» و «عادت» توجه کرد. تعابیر «عرف» و «عادت» در فقه، چه فقه امامی چه فقه اهل سنت، کاربرد بسیار دارد، و امروزه در علم حقوق نیز تعبیر «عرف و عادت» رایج است (جعفری لنگرودی، ۱۳۹۲: ۵۱۸).

بنابه تعریف برخی دیگر:

«عرف چیزی است که انسان‌ها به هدایت عقل بر آن متفق‌اند و طبیعت و سرشت سالم آنان آن را پذیرفته است». منابع اصول فقه عامه همین تعریف را از عادت نیز داده‌اند. این پژوهش برآن است که در این قسمت به بررسی قوائد لاضرر و لاجرح، بپردازد و به واسطه این ادله‌ها، در نهایت اهمیت و ضرورت عقلی و عملی جایگاه ثبت را روشن سازد.

ادله اول) قاعده لاجرح

کلمه حرج در قرآن کریم به معنای تنگی، ضیق، سختی و گناه استفاده شده است. واژه عسر در قرآن کریم به معنای سختی، دشواری است. این قاعده به معنای نزول تکلیف شاق ذو غیرقابل تحمل به حساب می‌آید. با توجه به این که آسیب‌های حرج‌های غیر جسمانی در جامعه کنونی کم‌تر از آسیب‌های جسمانی نیست و چه بسا به مراتب غیر قابل تحمل‌تر باشد و فرد را دچار پیامدهای سوء

جبران ناپذیر کند، پس می‌توان برای حل چنین معضلاتی متمسک به قاعده لاجرح شد. بنابراین می‌توان در یک تقسیم‌بندی جرح را به جرح جسمانی و جرح غیر جسمانی تقسیم کرد، هرچند فقها صریحاً به این تقسیم‌بندی‌ها اشاره نکرده‌اند، اما تلویحاً با توجه به مصادیق فقهی که در آن‌ها اشاره به عسر و حرج شده است، می‌توان استفاده نمود که قاعده لاجرح نه تنها در موارد جرح جسمانی کاربرد دارد، بلکه در جرح‌های غیر جسمانی مثل جرح روحی - روانی، جرح اجتماعی، جرح اقتصادی و جرح حیثیتی و... نیز کاربرد دارد (همان).

اسلام مخالف به سختی افتادن افراد است. در واقع می‌توان دو برداشت از این قاعده داشت.

الف) اگر ما بخواهیم برای همه معاملات خود شاهد داشته باشیم، در واقع خود و شاهد یا شاهدان مدام در سختی و مشکل هستند. مشکل حاضر شدن همیشگی شاهد، رفت و آمد کردن و بسیاری از مشکلات دیگر که زندگی معمولی افراد را به سختی انداخته و یا حتی مختل می‌کند.

ب) دومین برداشت از این ادله عقلی آن است که کتابت و عمل ثبت کردن و استفاده کردن از فرایند اداری و قانونی ثبت سند توسط سردفتر باحث راحتی و آسایش بیشتر مردم می‌گردد. مردم نه زحمت به همراه داشتن شاهد را خواهند داشت، و نه زحمت نگرانی تلف شدن مال و ملک خود را خواهند داشت. پس طبق قاعده ذکر شده، ثبت و کتابت سند وجوب عقلی پیدا می‌کند.

ادله دوم) قاعده لاضرر

قاعده لاضرر به معنای نفی مشروعیت هر نوع ضرر، آسیب و اضرار در اسلام است (نجفی، ۱۳۶۷، ص ۱۹۸ / بجنوردی، ۱۴۱۹، ص ۱۶۱ / مجاهد طباطبایی، [بی‌تا]، ص ۱۷۳ / خوانساری، ۱۴۰۵، ص ۳۹۱ / طباطبایی، ۱۴۰۴، ج ۹، ص ۲۹۸ / روحانی، ۱۴۱۲، ص ۱۸۵) و در توضیح این دلیل گفته‌اند:

طبق قاعده لاضرر، عامل فرار مکلف است یا مدیون را تحویل دهد تا بتواند دین را از او استیفا کند، یا دینی را که بر عهده مدیون است، خود بپردازد (سبزواری، ۱۴۱۳، ج ۲۰، ص ۳۵۳). اسلام تأکید موکد بر جلوگیری از به ضرر افتاد افراد دارد. در قرآن کریم نیز ضمن بیان قواعد احکامی و عبادی، بسیار بیان دارد که هر تکلیف دینی مانند روزه گرفتن زمانی که به ضرر شما باشد، انجام آن حرام می‌گردد. بنابراین طبق قاعده ذکر شده، از مهمترین راه‌های جلوگیری کردن از وقوع ضرر در معاملات و ضایع نشدن حق و مال مسلمانان آن است که سندیت داشته باشند تا مورد ارجاع و استناد قرار گیرند. مهمترین اقلشاری که ممکن است مورد ضرر واقع شوند، افراد ممیز، ناتوان و بی-سواد است. البته افراد هراندازه که بالغ و توانمند هم باشند، بدون سند و مدرک نمی‌توانند واقعیت را اثبات کنند و یا امری که واقعیت ندارد و کاذب است را صادق جلوه دهند. بهترین راه برای

پیشگیری از ضرر مالی و حقوقی افراد آن است که همه جزییات و مفاد قراردادها و معاملاتشان ثبت و ثبت گردد تا بعد از گذر سال‌ها و حتی مهاجرت طولانی مدت و مرگ نیز، اموالشان از خطر تصاحب، نفی و مصاده شدن در امان گردد و به واسطه کتابت و ثبت آن از ضررهای کلان مالی افراد جلوگیری به عمل آید.

۲. نتیجه‌گیری

آنچه در این پژوهش مورد بررسی و تاکید ویژه قرار گرفت و سعی در نشان دادن ضرورت و آن شد، اهمیت وجود ثبت و کتابت معاملات توسط کاتب‌العدل بود. مهمترین منابع فقهی که قابلیت استناد دارد، کتاب، سنت، اجماع و عقل است. این پژوهش نیز برآن بوده است که با استفاده از منابع فقهی ذکر شده بالا ضرورت بحث کتابت را محرز و مشخص گرداند. بنابراین ابتدا با ذکر مهمترین آیه در زمینه ضرورت ثبت یعنی آیه ۲۸۲ و سپس ۲۸۳ پرداخته شده است. در بخش بعدی از قسمت کتاب، به ذکر رابطه و اهمیت سوره مطفین با آیات ۲۸۲ و ۲۸۳ سوره بقره پرداخته شده است که این مهم از نوآوری پژوهش محسوب می‌شود که پژوهشگر به دنبال روشن کردن آن بوده است. اما در قسمت‌های دیگر پژوهش، به ذکر روایات مهمتر، اجماع و قواعد عقلی ضروری پرداخته شده است و ذیل هر عنوان و ادعای ذکر شده هدف و رابطه بحث با مطالب مشخص شده است. در واقع هدف اصلی نگارنده آن است که ضرورت و اهمیت جلوگیری از تضییع حقوق افراد و حق الناس را مشخص کند، سپس ذکر کند که تنها وسیه و بهترین راه ممکن که توسط خداوند در قرآن کریم، پیامبر اکرم (ص) و اهل بیت (ع)، اجماع و ادله عقلی بیان شده است، «کتابت» و «ثبت» معاملات است که باید توسط فردی امین و شاهد به نام «کاتب‌العدل» یا «سردفتر» صورت گیرد.

بنابراین، در این مقال نشان داده شد که از مهمترین مباحثی که قرآن کریم به آن اشاره و تاکید دارد و با قیدی غضب آلود، کراهت آن را نشان داده است، بحث کم‌فروشی و فریبکاری است و در انتها در سوره بعدی که نازل فرموده است (بقره)، ذیل آیه ۲۸۲ راهکاری برای جلوگیری از تضییع حق افراد، کم‌فروشی در معاملات و فریبکاری ارائه کرده است، و آن را ثبت و گرفتن فردی به عنوان کاتب و شاهد دانسته است.

درآیه ۲۸۲ سوره بقره بر این اصل تاکید دارد که طرفین معامله تقوایبش کنند. یعنی به هیچ عنوان نباید یکی از طرفین از این شرایط سوء استفاده کنند و مبلغ بدهی خود را کمتر از میزان معین ثبت کنند و با این روند موجب ابطال حقوق یکدیگر شوند. اما ضرورت سردفتر و یا کاتب در میان، در برخی موارد ضرورت بیشتری خواهد داشت، این ضرورت جایی است که فرد طلبکار ممیز نباشد،

سواد نداشته باشد، ضعیف باشد، لال، نابینا و یا ناتوان باشد. بنابراین در شرایط نام برده ضرورت وجود کاتب و سردفتر بیش از پیش خواهد شد. در این آیه شریفه و روایات اشاره شده است، اگر این تشریفات اداری و ثبت و سند باعث کند شدن امور روزمره شما می‌شود و تعلل در کار ایجاد می‌کند، بسیار برای شما بهتر است تا اینکه با ثبت نکردن آن فتنه، بلا، اختلاف و تفرقه در بین شما ایجاد شود.

از مبانی دیگری که در این آیه مورد تاکید قرار دارد این است که باید در معامله و ثبت آن و ثبت بدهکاری جانب انصاف و عدالت رعایت شود، بدین معنا که افراد معامله و کاتب در معرض هیچگونه تهدید، آزاد و اذیت نباشد تا بدین وسیله جانب انصاف و عدالت را رعایت نکند: «و لایضار کاتب و لاشهید». از موارد دیگری که در این آیه مورد تاکید قرار رفته است، بحث حق الزحمه سردفتر و یا همان کاتب است. کاتب به دلیل آنکه نباید بر او تحمیل زحمت و مشقت نشود، باید به صورتی معقول و عرفی از نظر مالی مورد حمایت قرار گیرد تا به هیچ عنوان هیچکدام از طرفین معامله متضرر نگردند.

منابع

-قرآن کریم

-نهج البلاغه

ابن اثیر، محمد جزری، (۱۴۱۰)، النهایه فی غریب الحدیث و الاثر، ج ۳ و ۴، قم: مکتبه الاسلامیه.
انصاری، شیخ مرتضی (۱۳۷۹) فوائد الصول (الرسائل)، قم، مطبوعات ذینی.

آشتیانی، میرزا احسن (۱۳۶۳) کتاب القضاء، قم، موسسه منشورات دارالهجره.

جعفری لنگرودی، دکتر محمد جعفر، (۱۳۹۶) دوره حقوق مدنی، حقوق تعهدات، انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.

جوادی آملی، عبدالله، (۱۳۷۲). تحریر تمهید القواعد، تهران، الزهراء.

خمینی، روح الله (۱۳۷۳) تحریر الوسیله، قم، جماعه المدرسین، نشر اسلامی.

خوانساری، سید احمد، (۱۴۲۴) جامع المدارک فی شرح مختصر النافع، ج ۷، دارالکتب العلمیه.

خوئی، ابوالقاسم (بی تا) مباطنی تکام المنهاج، ج ۱، بابل.

- دادشی نژاد دلشاد، داوود (۱۳۹۶) ثبت اسناد رسمی از منظر فقه و حقوق، تهران، نشر سخنوران.
- روحانی، محمدصادق، (۱۳۸۶)، المسائل المستحدثه، چاپ اول، تهران، موسسه انتشاراتی حیان.
- سبحانی، جعفر، (۱۴۱۹)، تاریخ الفقه الاسلامی و ادواره، بیروت، دارالاضواء.
- سبزواری، سید عبدالعلی (۱۳۸۸)، مهذب الاحکام، دارالتفسیر.
- شهری، غلامرضا و سروش جهرمی، (۱۳۷۵)، مجموعه نظریات اداره حقوقی قوه قضاییه، روزنامه رسمی.
- شهیدی، مهدی، مجموعه مقالات حقوقی، (۱۳۸۷)، تهران: انتشارات مجد.
- شیخ صدوق، محمد بن علی، (۱۴۱۵)، المقنع، موسسه امام هادی.
- طباطبایی، محمدحسین (۱۳۶۰) تفسیر المیزان، ترجمه ممدباقر موسوی، نشر جامعه مدرسین قم.
- عظیمی، جواد، (۱۴۲۸)، تنقیح مبانی الأحکام - کتاب القصاص، دار الصدیقه الشهیده سلام الله علیها.
- مکارم شیرازی، ناصر، تفسیر نمونه، (۱۳۸۶) تهران: دارالکتب اسلامی.
- نجفی، محمد حسن، (۱۲۴۵) جواهر الکلام ج ۴۰، بیررت.
- ولایی، عیسی (۱۳۸۳) ارتداد در اسلام، تهران، نشرنی.

مقاله

شهباز قهفرخی، سجاده، (۱۴۰۲) روش شناسایی مصداق بنای عقلا، فصلنامه پژوهش‌های فقه و حقوق اسلامی، سال ۱۹، شماره ۷۳، صص ۱۶۶-۱۹۰.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
رتال جامع علوم انسانی